

کیمهان

در اسلام برای هر کاری احکام تکلیفی بیان شده است که به عنوان احکام خمسه تکلیفی واجب و حرام و مستحب و مکروه و مباح شناخته می‌شود.اما یا توجه به اینکه اسلام دین اخلاق است و پیامبر(ص) مبعوث به مکارم اخلاقی است، فراتر از احکام قانونی و حقوقی، به آداب و لطافت اخلاقی و رفتاری نیز توجه داده است. نویسنده در این مطلب به برخی از آداب تجارت پرداخته است تا سبک زندگی اسلامی در حوزه بازار و معاملات تبیین شود.

آداب خرید و فروش در اسلام

تجارت و داد و ستد در اسلام از جایگاهی بس والا برخوردار است. یک تاجر مسلمان باید جایگاه خود را به عنوان واسطه فیض الهی به بندگان، نماند. خرید و فروش و مبادله کالا و خدمات همانند دیگر عرصه‌های زندگی، از نظر اسلام دارای آداب و احکامی است که برای آن کس که قصد دارد وارد این عرصه شود دانستن آنها لازم و ضروری است، زیرا عدم آشنایی با آنها، موجب لغزیدن در دام ربا و حرام‌خواری و سلب برکت از مال و سرمایه می‌شود. در این مقال به برخی از این آداب اشاره شده است.

۱. فراگیری احکام و آداب، نخستین تکلیف: وقتی انسان در کاری وارد می‌شود می‌بایست همه ابعاد آن را بشناسد و حتی بر جزئیات آن واقف باشد تا بتواند به شایستگی از عهده کار برآید. از آنجا که مسئله اقتصاد پس از مسئله عبادت، مهم‌ترین و اصلی‌ترین تکلیف هر انسانی است (بقره، آیه ۳) و قوام جامعه به آن است (نساء آیه ۵)، دانستن احکام و آداب این حوزه نه تنها شایسته بلکه به عنوان یک تکلیف و وظیفه مطرح است. در حدیث است که حضرت امیرالمومنین(ع) بر فراز منبر می‌فرمود: **«یا معشر التجار، الفقّه ثم المتجر، الفقّه ثم المتجر، الفقّه ثم المتجر؛ ای تاجران. اول مسائل و احکام شرعی تجارت را فرا بگیرید بعد مشغول تجارت شوید.»** حضرت این جمله را سه بار تکرار کرد. (الکافی، ج ۵، ص ۱۵۰، حدیث ۱) کسانی که بدون شناخت نسبت به احکام شرعی و مسائل تجارت وارداین کار می‌شوند، به احتمال قوی در دام تجارت حرام و ربوی گرفتار می‌شوند و رزق حلال و طیب را به حرام و خبیث تبدیل می‌کنند. چنانکه آن حضرت(ع) در ادامه همان هشتاد و نهمین بابی علیه این نکته توجه داده و فرموده است: **«به خدا سوگند، ربا در این امت از جای پای مورچه بر روی سنگ سخت پنهان‌تر است.»**

امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: هر کس بخواهد تجارت کند باید احکام این خود را بیاموزد تا بدین وسیله حلال را از حرام باز شناسد. کسی که احکام این خود را نیاموزد و تجارت کند در کام شبهات فرو می‌غلتد. (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۳، حدیث ۴)

۲. پرهیز از سوگند: سوگند راست خوردن در هر کاری از جمله معامله میوه است و انسان نباید برای هر چیزی سوگند بخورد. از امام کاظم(ع) نیز روایت شده است که فرمود:**«کسی‌که به هنگام خرید و فروش همواره قسم می‌خورد، خداوند در قیامت نظر رحمت به او نمی‌کند.»** (کافی، ج ۵، ص ۱۶۲، ج ۳) حضرت علی(ع) نیز فرمود: **«در معاملات قسم نخورید، زیرا هر چند کالا را به فروش می‌رساند اما برکتش را می‌برد.»** (همان، ج ۴) **۳. پرهیز از سوگند دروغ:** سوگند راست خوردن مکروه است و شکی نیست که دروغ، خود گناهی کبیره است و کسی بخواد دگناته سوگند و دروغ را با هم ترکیب کند باید وضعیتی بسیار اسفناک داشته باشد. از همین‌رو حضرت علی(ع) در ادامه سخن پیشین خود هشتاد داده می‌فرماید: **«قسم دروغ نخورید، به درستی که تاجر فاجر است و فاجر در جهنم، مگر کسی که حق بگیرد و آنگاه شکایت می‌کند که کسب آن آری.»** (من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۱۲، ۵۱۹)

۴. پرهیز از ربا: اسلام خرید و فروشی را مباح و جایز می‌شمارد که براساس اصول و قواعد شرعی، عرفی و اخلاقی باشد. داد و ستد اگر به درستی انجام گیرد موجب افزایش ثروت و برکت در زندگی می‌شود، اما اگر برخلاف آن انجام گیرد موجب فتنه و فتنه افزایشی را موجب می‌شود ولی در نهایت جز ضرر و خسران نصیب رباخوار و نزولخور نخواهد شد. در آیات قرآن از جمله آیه ۲۷۵ سوره بقره، به این نکته توجه داده شده است. خرید و فروش روی و وام ربوی و به سخن دیگر هر معامله ربوی چون اعلان جنگ با خداست. این امر با خداوند بود و افزایش ظاهری آن برای جان نزول خوار خواهد شد. (بقره، آیه ۲۷۸؛ آل عمران، آیه ۱۳۰؛ نساء، آیه ۱۶۱) اینکه در روایت آمده باید احکام و آداب تجارت را شناخت برای آن است که بسیاری از تاجر ناخواسته و نادانسته گرفتار معاملات ربوی می‌شوند و برکت از مال و زندگی‌شان می‌رود و آنگاه شکایت می‌کنند که کسب آن برکت ندارد، در حالی که خودشان این برکت را با معاملات ربوی از میان برده‌اند. امیرمؤمنان علی(ع) فرمود:**«جز کسانی که مسائل خرید و فروش را می‌دانند در بازار نشتینند؛ (زیرا) هر کس بدون اطلاع از مسائل شرعی تجارت کند در ربا فرو می‌رود.»**(کافی،ج ۵، ص ۱۵۴ و ۱۲۳ من لا یحضره

راه رسیدن به محبت خدا

حجت‌الاسلام سیدمحمد مهدی میرباقری
قلب، یکی از سرمایه‌هایی استک که خداوند متعال به انسان عنایت کرده است تا به واسطه آن بتواند خداوند و اولیاء را دوست بدارد. قلب انسان می‌تواند رشید شده و به جای علاقه به شگون مختلف دنیا، علاقه الهی و اولیاء را در دلش نفوذ دهد.

یکی از بالاترین درجات سیر معنوی انسان این است که وی در محبت خداوند به اخلاص برسد، در این صورت است که خداوند را بیش از همه چیز دوست می‌دارد و اگر این محبت در دل انسان بیاید، همه مسیر زندگی را تغییر داده و زندگی او تبدیل به بهترین عبادت برای محبت خداوند می‌شود، این عبادت دیگر برای ترس از جهنم و دریافت پاداش نیست.

نورانیت محبت

محبت نورانیتی است که از سوی خدای متعال به قلب مؤمن عنایت می‌شود، آن هم محبت‌های مهمی مثل محبت خدای متعال که انسان باید در برابر این محبت قدردان و شاکر باشد، راه رسیدن به محبت الهی هم عمل به رضای الهی است. اگر انسان بر سر دو راهی‌ها پسند خدا را به پسند خود مقدم کند، نتیجه این است که خدا محبت خود را به انسان می‌دهد و اگر انسان صاحب محبت الهی شد معنی‌اش این است که هم خداوند او را دوست دارد و هم اینکه محبت او را در دل مخلوقات دیگر نیز می‌اندازد.

در شب معراج، خدای متعال خطاب‌هایی به رسول (ص) می‌کنند که یکی بر همین معنا دلالت دارد: اگر کسی بر طبق رضای من عمل کند، سه چیز را ملازم او می‌کنم؛ شکر، ذکر، محبت. اینکه خداوند می‌فرماید: «**لَا یُذْکِرُ اللَّهُ تَعْلَمَیْنِ الْكُفْرَ**» شاید مقصود ذکر است که خداوند متعال به بنده می‌کند و این ذکرهای ما مقدمه توجه خداوند است. خداوند متعال محبت موسی کلیم را در دل فرعون انداخت، با اینکه فرعون این همه بچه را کشت تا موسی را از بین ببرد و این در دست خداوند است که این اتفاق بیفتد.

آنهاهی که اهل سلوک، ریاضت و زحمت هستند و تلاش دارند تا به تلقای الهی برسند بعد از همه زحمت‌ها متوجه می‌شوند که این دای نیست که با پای عقل بتوانند طی بکنند. در مناجات امام (سجاد (ع) آمده است که:«خدایا دیده‌های دل بساز نزدیک‌بین‌تر این است که بتواند پاک‌های حلال و جمال تو را ببیند، عقل با ناتوان از این هستند که کنه زیبایی‌های تو را درک بکنند.»

ما مأموریت داریم که معصومین (ع) را دوست بداریم و اصل پذیرش ولایت نیز همان پذیرش از سر محبت است، ولایت فقط به معنای محبت نیست که برخی اهل سنت به این معنی گرفته‌اند، ولایت، سرپرستی و اینکه به آن خداوند همه هستی ما ما دست ائمه (ع) است می‌باشد. منتها ما همینطور که باید سرپرستی را قبول کنیم باید محبت آنها را نیز در دل داشته باشیم.

از: فارس

الغفیه، ج ۳، ص ۱۲۰، ۵۱۳)

۵. مراعات ترازو و پیمانه: بازار جای بسیار خطرناک و لغزشگاهی سهمناک است. هر کس نباید در تجارت و بازار وارد شود. همان طوری که برخی از کارها بستر و شرایط بهتری برای رشد و کمال‌یابی انسان دارد، برخی از جاها و کارها بستر شیطنت‌ها است و شیطان در آنجا به سادگی می‌تواند راه یابد و مقاصد خویش را برآورده سازد. بازار از جاهایی است که شیطان دسترسی بهتر و آسان‌تر به آدمی دارد. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول(ص) فرمود:**«خطرناک‌ترین نقطه زمین بازار است.**

* همان طوری که برخی از کارها بستر و شرایط بهتری برای رشد و کمال یابی انسان دارد، برخی از جاها و کارها بستر شیطنت‌ها است و شیطان در آنجا به سادگی می‌تواند راه یابد و مقاصد خویش را بر آورده سازد. بازار از جاهایی است که شیطان دسترسی بهتر و آسان تر به آدمی دارد. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول(ص) فرمود: «خطرناک ترین نقطه زمین بازار است.

آنجا میدان شیطاین است. شیطان هر روز صبح پرچم خود را در بازار می‌زند و بر صدنی خود می‌نشیند و فرزندان خود را در آن پخش می‌کند، تا یکی را فریب دهند که از ترازو بکاهد و دیگری کیل و پیمانه را کم کند، و دیگری ذرع (متر) را بزدند و دیگری راس المال و سرمایه را دروغ بگوید. سپس خطاب به فرزندانش می‌گوید: شما که پدرتان زنده است وظیفه دارید کسانی را که پدرشان (حضرت آدم) مرده است، رها نکنید و فریب دهید؛ بنابراین، شیطان با اول کسی که وارد بازار می‌شود وارد و با آخری نفر خارج می‌شود، و بهترین نقطه روی زمین نزد خدا مساجد است؛ و محبوب‌ترین مردم نزد خدا کسانی است که زودتر به مسجد رفته و دیرتر بیرون آید.» (من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۱)

۶. پنهان نگردن راه کالا: از دیگر احکام و آداب تجارت آن است که کالا را چنان که هست معرفی کند و اگر در کالا عیبی است آن را بگوید. (کافی، ج ۵، ص ۱۵۰، ج ۲، ح ۲) من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۵۱۵)

۷. پرهیز از مدح کالا: امروز تبلیغات، یک اصل در تجارت است و می‌گویند تبلیغات هزینه نیست بلکه سود است. تبلیغ گاه به قصد معرفی

* اینکه در روایت آمده باید احکام و آداب تجارت را شناخت برای آن است که بسیاری از تجار ناخواسته و نادانسته گرفتار معاملات ربوی می‌شوند و برکت از مال و زندگی‌شان می‌رود و آنگاه شکایت می‌کنند که کسب آنان برکت ندارد؛ در حالی که خودشان این برکت را با معاملات ربوی از میان برده‌اند. امیرمؤمنان علی(ع) فرمود: «جز کسانی که مسائل خرید و فروش را می‌دانند در بازار نشتینند؛ (زیرا) هر کس بدون اطلاع از مسائل شرعی تجارت کند در ربا فرو می‌رود.»

کالا برای شناخت مردم از فواید و کاربردهای آن است که امری پسندیده است؛ زیرا هر روز کالا و خدماتی نو در بازار وارد می‌شود که مفیدتر و ارزان‌تر از کالاهای ابروز است. پس لازم است تا این‌گونه کالاها با تبلیغ، برای استفاده و رفاه مرم معرفی شود، اما گاه تبلیغ، مدح و ستایش و گاه دیگر به معنای غلو درباره کالا و مدح و ستایشی است که کالا دارای آن نیست. در مورد اخیر باید گفت که چنین تبلیغی دروغ است و باید از آن پرهیز شود. (همان پیشین)

۸. پرهیز از مذمت کالا: **فروشنده:** کسی که در بازار خرید و فروش می‌کند، همان طوری که باید نسبت به کالایی که می‌فروشد انصاف داشته کند، همچنین نباید نسبت به کالایی که می‌خرد مذمت نماید و زمینه نماز بهترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداوند عالم شود، عبادت‌های دیگر هم قبول می‌شود و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی‌شود، همان طور که اگر انسان شبانه‌روزی پنج نوبت در نهر آب شسته‌شود و آلودگی در بدنش نمی‌ماند، نمازهای پنج‌گانه هم به انسان را از گناهان پاک می‌کند و سزاوار است که انسان نماز را در اوّل وقت بخواند و کسی که نماز را بست و سبک شمارد مانند کسی است که نماز نمی‌شود، با این وجود **سؤالاتی ذهن مخاطب جوان را به خود مشغول می‌کند که مرکز تخصصی ناهنجار جوان این سوالات چنین پاسخ می‌دهد:**

اگر نماز تشکر از خداست و بناست از نعمت‌های خداوند تشکر کنیم، چرا حتماً باید نماز بخوانیم و حال آنکه می‌توانیم حتی موقع خواب در حالی که در رختخواب خود دراز کشیده‌ایم، به صورت زبانی از خدا تشکر کنیم و لازم نیست حتماً نماز بخوانیم؟

* در حدیث است که حضرت امیرالمومنین(ع) بر فراز منبر می‌فرمود: «ای تاجران، اول مسائل و احکام شرعی تجارت را فرا گیرید بعد مشغول تجارت شوید». حضرت این جمله را سه بار تکرار کرد.

محمدرضّا فرمانی



* کسانی که بدون شناخت نسبت به احکام شرعی و مسائل تجارت وارداین کار می‌شوند، به احتمال قوی در دام تجارت حرام و ربوی گرفتار می‌شوند و رزق حلال و طیب را به حرام و خبیث تبدیل می‌کنند.

را برای خرید ارزان کالا برای خود فراهم آورد. از رسول اکرم(ص) روایت شده است که فرمود:**«کسی که داد و ستد می‌کند از پنج چیز بهره‌برد: رباخواری، قسم خوردن، پنهان کردن عیب کالا، مدح و ستایش کالایی که می‌فروشد، مذمت چیزی که می‌خرد.»** (کافی، ج ۵، ص ۱۵۰، ج ۲، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۵۱۵)

۹. پرهیز از غش در معامله: غش (فربد) در معامله انواع گوناگونی دارد. برخی از این موارد جزو مصادیق حرمت و برخی مکروه و برخی دیگر دور از انصاف و عدالت است. امروزه عدای از بازارگان با استفاده از ابزارهای فریبنده، کالای نامرغوب و با معمولی خود را مرغوب و برتر نشان می‌دهند و موجبات فریب خریدار را فراهم می‌آورند. استفاده از لامپ‌های رنگارنگ و نورپردازی به ویژه درباره پارچه و لباس برای فروش کالای معمولی، یکی از مرسوم‌ترین تبلیغات فروش کالا است که به نظر می‌رسد نوعی غش در معامله باشد. در حدیث است که امام کاظم(ع) به هشام فرمود:«در تاریکی و زیر سسقف، کالای خود را بفروش که (ممکن است) مغایع خوب جلوه کند (و عیوب آن مخفی بماند) و این غش در معامله است که حلال نیست.» (کافی، ج ۵، ص ۱۶۰، ح ۵۵، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۲، ح ۷۷۰) از مصادیق غش در معامله آبی است که معمولاً در شیر یا هر مایعی دیگر مخلوط می‌کنند. امروزه انواع مایعات در بازار به فروش می‌رسد که می‌توان نشانی از غش در معامله را در آنها مشاهده کرد. انواع آب میوه‌ها که خریدار به‌عنوان آب میوه طبیعی می‌خرد، در حالی که آب است نه آب میوه، همچنین عرقیاتی که درصداً خلوص بسیار پایینی دارد. خریدار وقتی عرقیات می‌خرد به نظر وی همان عرق تقطیری است در حالی که آب به آن افزوده‌اند. گلاب‌های این دست نیز از مصادیق غش است. اینکه در حدیث است که پیامبر(ص) از آب کردن در شیر نهی کرد (کافی، ج ۵، ص ۱۶۰، ح ۶) اختصاصی به شیر ندارد، بلکه هر مایعی که با افزودن آب و یا هر مایع دیگر از حالت اصلی و طبیعی آن خارج می‌شود از مصادیق غش به شمار می‌آید و باید از آن پرهیز کرد. همچنین مخلوط کردن برنج اعلاء با برنج معمولی یکی دیگر از مصادیق غش در معامله است البته مصادیق فراوانی در این باره وجود دارد که ذکر آنها موجب اطاله خواهد بود.

۱۰. پرهیز از احتکار: بازاری، واسطه‌های است تا کالا به شکل ارزان در اختیار خریدار قرار گیرد. بازاری کمک می‌کند تا تولیدکننده با خیالی آرام و آسوده تولید کند و خدمات بازاری آن را به دست مصرف‌کننده

خصوصیات ویژه‌ای قرار داده که باید رعایت نشود تا عبادت و تشکر از خدا محسوب شود، مثل بیان ذکرهای مخصوص با شرایط خاص و در زمان خاص و معین. بنابراین وقتی ما مامور هستیم که نماز را بپا داریم (ویر) می‌توانوقات خاصی تعیین نشده و ارکان خاصی(نیت، رکوع، سجود و...) قرار داده شده، و هیچ چیز به سلیقه خود عمل کرده و ادعای تشکر از خداوند متعال نیز داشته باشیم!

خدمت به مردم یا اقامه نماز؟

مگر نه اینکه با ارزش‌ترین اعمال خدمت به مردم است!؟ پس اگر کسی به دیگران خدمت بکند مثل کسانی که با اختراع خود به مردم خدمت می‌کنند، دیگر چه نیازی به نماز دارد!؟ آیا این خدمات جای نماز را بر نمی‌کند؟

پدیدهی است ریشه و عامل خدمات، ارزنده‌تر از یک خدمت است، زیرا کسی که انگیزه خدمت را در درون خود باور کند، خدمات فراوانی را از

اولویت خدمت به مردم یا اقامه نماز؟

* معمولاً تعارض و تقابل میان نماز مستحبی و خدمت به خلق موردی و مختص موارد خاصی است و این گونه نیست که ما همیشه نماز مستحبی و نافله را به خاطر خدمت به مردم ترک کنیم، چون این خود از دام‌های شیطان برای محروم کردن بندگان از فیض نماز مستحبی است.

خود بروز خواهد داد و یکی از مهمترین آثار نماز آن است که ریشه پاک‌ها و انگیزساز خدمات است، علاوه بر اینکه نباید فراموش کرد که بالاتر از خدمت به مردم خدمت به خالق و پروردگار عالمان در روی زمین است و نماز خدمت به خداوند متعال است که هیچ چیز جایگزین آن نمی‌شود. امام صادق(ع) فرموده‌اند: **«إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ خِدْمَتُهُ فِی الْأَرْضِ قَلْبُیْنِ شِئْءٍ مِنْ خِدْمَتِهِ تَعْدِلُ الصَّلَاةَ»** (پیروی و اطاعت از پروردگار خدمت کردن به او در زمین است و هیچ چیز به خدمت به پروردگار معادل نماز نیست. دستورات دین مقدس اسلام هر کدام در جای خود خوب و مناسب است و هر کدام اثر و نورانیت و کمال‌بخشی خاصی خود را دارد. همان‌گونه که سیربی جای تشکر است نامی گیرد و سیرابی جایگزین گرسنگی نمی‌شود، در تمام اسلام نیز خدمت به خلق همچون اختراع مفید جای نماز را نمی‌گیرد و نماز جایگزین خدمت به مردم نمی‌شود.

البته در مورد نمازهای مستحبی می‌توان گفت که اگر با خدمت به مردم تعارضی داشته باشد، به این معنا که خواندن نماز مستحبی مانع انجام خدمت مهم و لازمی که دیگری نمی‌تواند آن را انجام دهد و تنها از عهده من می‌آید، در این صورت خود به خلق حق تقدم دارد. نکته مهم این است که معمولاً همین تعارض و تقابل میان نماز مستحبی و خدمت به خلق موردی و مختص موارد خاصی است و این

معارف

Maaref@kayhan.ir

برسانند. مصرف‌کننده نیز با خیالی آسوده از بازاری می‌خرد و می‌داند که اوضاع و عدالت را در جنس و قیمت مراعات کرده است. چنین بازاری حیبت پیدا است؛ اما کسی که در مقام واسطه‌گری و خدمات‌رسانی، احتکار می‌کند یا بیش از اندازه بر مزد خدمات و یا سود خود می‌افزاید که حتی از درآمد‌های تولیدکننده بیشتر است بی‌آنکه هزینه آنچنانی را متحمل باشد، شنده چنین کسی از دایره عدالت و انصاف بیرون بوده و از مصادیق ناقصین(ظلم‌کنندگان) شمرده می‌شود. از حضرت رسول(ص) روایت شده است که فرمود: **«کسی که خرید و فروش می‌کند، روزی خود را به دست می‌آورد و کسی که کالای (مورد نیاز مردم) را برای گران‌شدن نگه می‌دارد ملعون است.»** (کافی، ج ۵، ص ۱۶۵، ح ۶)

۱۱- پرهیز از بی‌خوابی: تاجر باید همه‌چیز را در حد اعتدال رعایت کند. انسان باید وقت خویش را در سه قسمت هشت ساعتی عبادت، کار، استراحت تقسیم کند. بی‌خوابی در تجارت و شب تا صبح بیدار ماندن برای خرید و فروش جایز و روا نیست و به دور از آداب تجارت است. در روایتی

* اگر خریدار در معامله‌ای، پشتیبان شد و خواستار استرداد پول خود و پس دادن کالایی گردید، فروشنده باید آن را بپذیرد و درج این عبارت که: «جنس فروخته شده پس گرفته نمی‌شود» به دور از آداب اسلامی معامله و تجارت است و موجب زوددن برکت از مال و دارایی و آن معامله می‌شود.

می‌خوانیم که امام صادق(ع) فرمود: **«هر کس تمام شب برای کسب و کار بیدار باشد و بهره چشمانش را از خواب ندهد، کسبش حرام است.»** (کافی، ج ۵، ص ۱۲۷، ج ۶: تهذیب، ج ۶، ص ۴۲۲، ح ۱۸۰ البته بیشتر علما این روایت را حمل بر کراهت کرده‌اند)

۱۲- طلب خیر از خدا: بازاری باید خیر را تنها از خدا طلب کند. کار کردن خوب است و امید به خدا داشتن خوب‌تر و انسان باید هر کاری می‌کند خیر را از خدا بخواهد و در تجارت باید این یک اصل باشد و گمان نکند که کارش موجب می‌شود تا او به خیر دست یابد، بلکه این خیر از سوی خداوند می‌رسد. (کافی، ج ۵، ص ۱۵۱، ح ۳)

۱۳- آسان‌گیری: در خرید و فروش باید آسان گرفت و از سخت‌گیری نسبت به یکدیگر پرهیز کرد؛ زیرا برکت در این گونه رفتار است. (همان) **۱۴- مهریابی:** با مستتری و خریدار باید مهریان بود و هرگز تندخو و بدخلقی نکرد.(همان)

۱۵- صبر و تحمل: بازاری باید همانند هر انسان دیگری صبور و دارای تحمل و سعه صدر باشد. البته در کار تجارت این امر ضرورت می‌یابد؛ زیرا تنها با صبر و حلم است که انسان می‌توان مقاصد خود را به خوبی برآورده سازد. (همان)

۱۶- پرهیز از ستم: همواره عدالت و انصاف را باید مراعات کند و از هرگونه ستم و بیادای و بی‌انصافی پرهیز نماید. (همان)

۱۷- پرهیز از کم‌فروشی: در معامله و خرید و فروش کالا کم‌فروشی نکند. (همان) امروزه این کم‌فروشی مهم‌ترین بیماری بازار اسلامی است. کالا و خدماتی که عرضه می‌شود با وزن و پیمانه‌ای کمتر از آن چیزی است که با خرید و کیل و کیل و پیمانه واقعی است. کالاها را یا آب می‌کنند یا باد. در حدیث است که حضرت علی(ع) هر روز صبحگاهان تازه‌بانه (کوتاهی) بر دوش خود گذاشته، در بازار کوفه می‌گشت و می‌فرمود: «هنگامی که مشغول خرید و فروش می‌شوید نخست خیر خود را از خداوند طلب کنید تا برکت پیدا کند. با مشتریان مهریانی کنید، صبر و بردباری را زینت خود قرار دهید و از قسم خوردن و دروغ‌گفتن پرهیزید و بر مردم ستم نکند و با مظلومان از در انصاف وارد شوید و به ربا نزدیک نشوید و پیمانه و وزن را کامل کنید و از ترازو دزدی نکنید.» (کافی، ج ۵، ص ۱۵۱، ح ۲؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۵۱۴)

۱۸- حق ستم‌خوار: اگر خریدار در معامله‌ای، پشتیبان شد و خواستار استرداد پول خود و پس دادن کالایی گردید، فروشنده باید آن را بپذیرد و درج این عبارت که: **«جنس فروخته شده پس گرفته نمی‌شود»** به دور از آداب اسلامی معامله و تجارت است و موجب زوددن برکت از مال و دارایی و آن معامله می‌شود.

پیامبر اکرم(ص) فرمود: کسی که فسخ معامله شخص پشتیبان را بپذیرد، خداوند در قیامت از گناهان او می‌گذرد. (میزان‌الحکمه، ج ۱، ص ۵۲۳) البته در برخی معازف‌ها این عبارت نیز دیده شده است: **«جنس فروخته شده پس گرفته نمی‌شود»** که این عمل اجزای توصیه‌اسلامی و رعایت آداب خرید و فروش است. آنچه بیان شد تنها روش‌های از آداب فراوان خرید و فروش و تجارت است و علاقمندان و کسانی که مایلند با احکام و آداب کامل تجارت و معامله آشنا شوند و در خرید و فروش خود را متخلق به این آداب کنند می‌توانند به رساله‌های عملیه مراجع و کتابهای اخلاقی و فقهی و حدیثی از جمله اصول کافی، من لا یحضره الفقیه، مکارم‌الاخلاق و… مراجعه نمایند.

گونه نیست که ما همیشه نماز مستحبی و نافله را به خاطر خدمت به مردم ترک کنیم، چون این خود از دام‌های ششیطان برای محروم کردن بندگان خون از فیض نماز مستحبی است.

در پایان مومن این نکته را نیز یادآور شویم که خدمت به خلق دامنه وسیعی دارد و اگرچه بطور قطع هرگونه خدمت به خلق خدا هر چند به ظاهر ناچیز باشد موجب پاداش و ثواب است. چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرموده‌اند: **«من رفع حجرّاً عن الطریق کتبت له حسنه»** (کس سنگی را از راه مردم بردارد، برای آن حسنه و ثوابی نوشته می‌شود. اسماً این حسنه در حد تعلیم و هدایت دیگران باشد، از سوی فوق‌العاده‌ای دارد؛ پیامبر اکرم(ص) به امام علی(ع) فرمود: **«لَأَنْ یُهْدِیَ اللهُ عَلَیْ ذَنْبِكَ عُنْدًا مِنْ عِبَادِ اللهِ حَیْرٌ لَكَ مَا طَلَعَتْ عَلَیْهِ الشَّمْسُ مِنْ مُشَارِفِهَا إِلَى مُغَارِبِهَا»** (اگر خداوند به دست تو کسی را هدایت کند برای تو از همه چیز که خورشید بر آن طلوع و غروب کند بهتر است و با امام صادق(ع) در خصوص خدمت به مردم در مسیر علم‌آموزی فرموده‌اند: **«هَنْ عَمَلٌ خَیْرًا مِنْهُ لَأَجْرٍ مِنْ عَمَلٍ بِهِ»** (کسی که به دیگری چیز خوبی پیاموزد، برای او مثل پاداش آنکه به آن علم عمل می‌کند پاداش هست.

فرق نماز با یوگا

یوگا نوعی ورزش همراه با تمرکز است و از آثار معنوی- فرهنگی و تربیتی و ارتباط با مبداء هستی کاملاً تهی است. در حالی که نماز جامع‌ترین و کامل‌ترین راه پروراز از جهان ماده و پیوستن به معبود و معشوق حقیقی و کمال و جمال مطلق است.

هر یک از شرایط، اجزاء، اقوال و افعال نماز دارای معانی و اسراری عظیم و دربردارنده اصول تربیتی و پیام‌ور فرهنگی خاص هستند که هیچ یک از آنها در یوگا وجود ندارد.

به نظر می‌رسد، آنچه باعث این مقایسه نادرست شده چند چیز است: الف- اینکه غالباً نمازهای ما حقیقی و با حضور قلب و آداب باطنی نیست و چون به ژرفای نماز راه نیافته و نماز در هویندای دل ما رسوخ نکرده است، با حرکات دیگری که با نگرش سطحی مشابه است، یکسان انگاشته می‌شود.

ب- بی‌توجهی به اسرار و روح نماز و تعلیم و پیامد‌های معنوی، تربیتی، روحانی، دنیوی و اخروی هر یک از اجزاء و شرایط آن باعث پناه بردن به ارزش‌هایی چون یوگا می‌شود، باید بدانیم که یوگا تنها یک ورزش برای تقویت بدنی از ابعاد ارزان انسان است و برای اعتدال نماز و نیایش و شکرگزاری آفریدگار نیست.^(۹)

پی‌نوشت‌ها:

- مجتبی کلباسی، یکصدو ده پرسش درباره نماز، انتشارات سنتاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، ۱۱۴ نهم، ص ۱۱۴
- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۸۵
- نهج‌الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول، ص ۷۶۹ شماره ۳۰۱۸
- بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۶
- الکافی، ج ۱، ص ۳۵
- یکصدو ده پرسش درباره نماز، همان

از: فارس

صفحه ۶

یکشنبه ۸ شهریور ۱۳۹۴
۱۵ ذی‌عده ۱۴۳۶ - شماره ۲۱۱۴

چراغ راه

زنده نگه‌داشتن قلب

قال الامام الرضاع): :**من جلس مجلسا یحیی فیه امرنا، لم یمت قلبه یوم تموت القلوب**»

امام رضاع) فرمود: هر کس در مجلسی که در آن ذکر ولایت و احادیث ما می‌شود، بنشیند، و علوم ما را یاد بگیرد و به دیگران یاد بدهد، دل او نمی‌میرد در روزی که همه دلها مرده‌اند.»^۱

۱- عیون الاخبار الرضاع)، ج ۱، ص ۲۹۴

حکایت خوبان

بر کات اموال در راه خدا

در حدیثی نقل شده است که مردی به خدمت پیامبر اسلام(ص) آمد و دوازده درهم آورد. جامه آن حضرت کپنه شده بود. امیرالمومنین علی(ع) را فرمود: یا علی! این درهم‌ها را بگیر و با آن جامه‌ای برای من ابداع کن تا ببوشم. آن جناب فرمود: به بازار رفته و پیراهنی به دوازده درهم خریده نزد پیغمبر(ص) آوردم. فرمود: یاعلی! غیر این نزد من خوشتر است آیا صاحبش را چنان می‌بینی که فسخ بیع کند؟ گفتم: نمی‌دانم لکن ببینم.

سپس نزد صاحبش آمدم و گفتم: به درستی که رسول خدا، این پیراهن را نپسندیده و غیر این را می‌خواهد، اگر غیر از این را داری بیآور. گفت: ندارم. گفتم: فسخ بیع کن، پس درهم‌ها را به من پس داد و نزد آن حضرت آوردم. آن حضرت به همراه من به بازار آمدند که پیراهنی بخردن جاری‌های دید کنار راه نشستند، می‌گریذ، از احوال او پرسیدم. گفت: یا رسول‌الله! صاحب من چهار درهم به من داده بود که برای ایشان چیزی تهیه نمایم، حال گم کرده‌ام و جرأت نمی‌کنم به سوی ایشان بروم. پس آن حضرت چهار درهم را به او عطا کرد و فرمودند: به سوی اهلت برگرد. پس آن حضرت به بازار تشریف بردند و پیراهنی به چهار درهم خرید و پوشید و حمد و سپاس الهی نمود و از بازار بیرون آمد. مرد برهنه‌ای را دید که می‌تقت: هر که مرا ببوشاند خدای تعالی او را از جامه‌های بهشت بپوشاند. آن حضرت پیراهنی را که خریده بود از او گرفته به آن سالن پوشانید و بعد از آن حضرت فرمودند: «السلام شدیم مردم. ما نماند بود پیراهن دیگری خرید و پوشید و حمد خدای عزوجل کرده به سوی منزل خود بازگردید. در راه همان جاریه را دید که بر سر راه نشسته می‌گرید، که مرا مورد ضرر و ستم قرار دهند. پیامبر گرامی(ص) فرمودند: برخیز و مرا به اهل خود دلالت کن. خانه خود را نشان ده تا من تو را شفاقت کنم.

آن حضرت تشریف آوردند و در خانه ایستاد و فرمود: «السلام علیکم یا اهل النار» اهل خانه جواب سلام آن حضرت را نگفتند: سلام را اعاده فرمودند، باز جواب نگفتند، دوباره اعاده فرمودند، گفتند: **«و علیک‌السلام یا رسول‌الله و رحمة‌الله و برکاته»** آن حضرت فرمود: باعث ترک جواب سلام اول و دوم چه بود؟ گفتند: یا رسول‌الله تو را شنیدیم، دوست داشتیم سلام تو بر ما بسپار و دعایت بر حق ما مکرر شود. پس آن حضرت فرمودند: این جاریه دیر کرده او را مواخذه نکنید. گفتند: یا رسول‌الله! به خاطرقدم شما او را آزاد کردیم پس آن حضرت فرمودند: الحمدلله، هیچ دوازده درهمی به این برکت ندیده بودم که برکتش عظیم‌تر از این باشد که خدای تعالی دو برهنه را پوشانید و بندهای را آزاد گردانید.^(۱)

۱- خصال، ج ۲، ص ۴۹۰

پرسش و پاسخ

حقوق فرزندان بر والدین

پرسش:

بر اساس آیات قرآن کریم، فرزندان چه حقوقی بر والدین دارند؟

پاسخ:

به طور کلی آیات متعددی از قرآن کریم، حقوق فرزند بر والدین را به صراحت بیان کرده است، که در اینجا برخی از محورهای اصلی آن را ذکر می‌کنیم!

- وظیفهٔ مادر در شیر دادن به نوزاد تا دو سال (بقره- ۲۳۳)
- تلاش برای نجات فرزندان از خطرهای جانی و اخلاقی (هود-۴۲)
- برخورد دودستانه با فرزنده به گونه‌ای که او اسرار خود را به والدین بگوید (یوسف-۴)

- فراهم آوردن زمینه مناسب برای بازی و گردش فرزندان (یوسف- ۱۲)
- سرزنش فرزندان در برابر سهل‌انگاری یوسف (یوسف- ۱۸ و ۸۳)
- پذیرش قول و تعهد فرزندان (حسبی در مواردی که قبلاً تخلف کرده باشند) (یوسف۱۴)
- امیدوار کردن فرزندان به حل مشکلات (